

ادامه از صفحه ۱۲

نهادهی که از خاستگاه خود دور شده‌است

ابزارهای الکترونیکی دیگر هم از این نوآوری پیروی خواهند کرد. می‌توان دربارۀ پیامدهای جامعه‌شناختی آن گمان‌های زیادی زد و پیش‌بینی‌های جامعه‌شناختی و رفتاری کرد. سخن من بر سر آن نیست، این دگرگونی نوع تازه‌ای از شرکت‌ها را به‌همراه خواهد آورد که امروز وجود ندارند. آنها برای پشتیبانی از این دگرگونی و روند تازه به وجود خواهند آمد. خیلی دشوار نیست که به‌یقین بگوئیم کارکرد این روند تازه برپایهٔ انتشار و کنترل امواج الکترومغناطیسی استوار خواهد بود. اگر دانش و آموخته‌های دانشجوی فیزیک، یا مهندسی الکترونیک از امواج الکترومغناطیسی بی‌اندرونی و سطحی باشد، روشن است که از این بازار جدید رانده خواهد شد. اما اگر آموزش دانشگاهی برپایهٔ آموزش «اندیشیدن خردورزانه» می‌بود، می‌توانستیم بگوئیم که ما پذیرای روندی نو خواهیم بود و در آن سهم خواهیم داشت. پس، راهکار، تغییر ساختار دانشگاه نیست تا هدفی برآورده نشود، بلکه چالش این است که یکوشیم و اطمینان باییم که برنامه‌های دانشگاهی با بازدهی بیشتر و روش‌های آموزشی بهتر، هدف‌های ساختاری خود را دنبال کند.

دیدگاهی که مدیران وزارت علوم از ساختار دانشگاه، نسل سوم دانشگاه‌ها، ترسیم می‌کنند، دانشگاه‌دیده‌ها را تنها با سهمی که آنان می‌توانند در اقتصاد داشته باشند، ارزش‌گذاری می‌کند، مسئولیت‌های انسانی آنان را در برابر جامعه نادیده می‌گیرد. در فرارویش فردی به آنچه که بالقوه می‌تواند باشد، بازمی‌دارد و گزینه‌های دانشجو را به خواست‌های خود و بازار کار محدود می‌کند. مفهومی برابری، آزادی، آزاداندیشی و خودشناسی را با بازدهی، سوددهی و واژه‌های دیگر اقتصادی جایگزین می‌کند. در فرهنگ ایرانی ما گفته کوتاهی است که پدران و مادران نسل من و پیش از من بارها گفته‌اند: «درس بخوان تا آدم شیوی». اندرونی این گزاره کوتاه مفهوم انسانی‌تری از آموزش را به‌همراه دارد. آنان نمی‌گفتند که درس بخوان تا دکتر یا مهندس شوی، تأکید بر «آدم‌شدن» است که مفهومی گسترده با ابعاد بسیار فراتر از تولید ارزش افزوده است. در کشور ما درک نادرستی جا افتاده است و دانشگاه را دروازه کاربایی می‌دانن. می‌پندارد که هر کس از این آستانه بگذرد، ناشن تا پایان عمر در روغن است. در این درک، واقعیتی کوچک و گزرا وجود دارد، اما هرگز همه واقعیت وجودی دانشگاه نیست. این واقعیت جزئی هنگامی به دست می‌آید که ما به‌راستی «دانشگاه» داشته باشیم و این دانشگاه به‌کار اصلی خود بپردازد. دانشگاه همواره به بهزیستی افراد جامعه یاری رسانده و همیشه نیروی کار خردروز و کارآمد تولید کرده است. اما اینها پیامدهای جانبی آموزش دانشگاهی بوده‌اند. هرگاه دانشگاه به‌کار اصلی خود پرداخته و از فشارهای بیرونی به‌دور بوده، این پیامد را هم به‌همراه داشته است. کار اصلی دانشگاه تا جایی که به دانشجو مربوط است، آموزش «خردورزی» است. خردورزی به زبان ساده کوچک و بزرار به این معنی است که دانشجو بتواند دو طرف یک موضوع را ببیند، بتواند گواهایی را بپذیرد که با باورهای او هم‌سو نیستند، به‌دور از احساس استدلال کند، برای ادعاها گواه‌های پشتیبان بخواهد، برپایه داده‌ها و گواه‌های موجود، برداشت و نتیجه‌گیری کند و بتواند برای مسئله یا دشواری راه‌حل بیابد.

دنیای امروز در مقایسه با ۶۰ سال پیش که دانشگاه‌ها در ایران پا می‌گرفتند، تغییر کرده است و می‌توان انتظار تغییرهای بیشتری هم در آینده داشت. کارکرد دنیا و کنش‌های آن پیچیده‌تر شده‌اند و در نتیجه، فهمیدنشان هم برای شهروند معمولی دشوار است. به این دلیل، شهروندان جامعه دموکراتیک بیشتروبیشتر به افراد متخصص و کارشناس تکیه می‌کنند. بنابراین، امروز آموزش خردورزی بیش از همیشه نیاز جامعه مردم‌سالار است، چون چنین جامعه‌ای شهروندانی را می‌خواهد که بتوانند درباره چیزهایی بیندیشند که بر زندگی خود و دیگران اثر می‌گذارند. این اما به اندیشیدن درباره سرشت خود «کارشناس» و رابطه‌اش با «اندیشیدن خردورزانه» وامی‌دارد. به بیان دیگر، خوشفکری و خوب‌اندیشیدن پایه‌های کارشناسی را می‌سازد. در نتیجه، برای جامعه‌ای که شهروندانش به‌طور روزافزون به راهنمایی «کارشناس» نیاز دارند، فهمیدن معنی «اندیشیدن» و رابطه آن با شهروندی هم ضروری می‌شود. دانشگاه و دانشگاهیان وظیفه دارند و در برابر جامعه مسئولند تا در برآورده‌کردن این نیاز اجتماعی بکوشند. گام مهم در این راه، فراهم‌کردن بستری است که در آن آموزش «اندیشیدن خردورزانه» به دانش‌پژوه یا دانشجو هموار باشد. این گام و خواست‌های برنامه‌ای دولت را برآورده می‌کند و جامعه را در مسیر فناوری، کارآفرینی و خردورزی قرار می‌دهد.

بی‌نوشت:

۱. سخنرانی دکتر فرهادی، وزیر علوم، سخنرانی دکتر کریمیان، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی امور فناوری در سالن اجلاس سران، سایت خبری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۶ آذر ۱۳۹۳.
همچنین، سخنرانی دکتر فرهادی، وزیر علوم در دانشگاه کیلان، سایت خبری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۳۰ دی‌ماه ۱۳۹۳، باز نگاه کنید به سایت خبری وزارت علوم، ۷ بهمن ۱۳۹۳.

شرق: دو مرد صبح دیروز در مشهد به جرم تجاوز به عنف در مَلاَعم به دار آویخته شدند. متهمان سوار بر تاکسی زردرنگ، طعمه‌هایشان را شکار می‌کردند. نخستین شکایت علیه متهمان روز ۱۹ خرداد سال گذشته مطرح شد و دختری جوان با مراجعه به پلیس مشهد، گفت: «سوار یک تاکسی زردرنگ شدم، به غیر از من مسافری هم در صندلی عقب نشسته بود. راننده دقایقی بعد تغییر مسیر داد و مسافر عقبی با تهدید من به مرگ سرم را فرو برد. آنها از شهر خارج شدند و وقتی به مکانی خلوت رسیدند، در خودرو به من تجاوز کردند. دو متجاوز سپس به مشهد بازگشتند و مرا در

شرق: سارق سابقه‌دار صاحبخانه سابق‌اش را به قتل رساند تا طلا و جواهرات او را سرقت کند.به گزارش خبرنگار ما، خبر کشف جسد زنی ۶۵ ساله ساعت ۱۰:۳۰ روز ۲۵ خرداد از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ به کلانتری شهرری اعلام شد. بعد از تأیید خبر تیم‌های بررسی صحنه جرم اداره دهم و تشخیص هویت پلیس آگاهی تهران در محل حاضر شدند. در همان بررسی‌های مقدماتی وجود آثار متعدد ضربه‌وجرح روی قسمت‌های مختلف بدن متوفی مشخص و علت مرگ انسداد شریان تنفسی گردن اعلام شد. همچنین مأموران روی در ورودی ساختمان آثار تخریب مشاهده کردند. آنها پی بردند متوفی و همسرش در طبقه اول این ساختمان دوطبقه قدیمی سکونت داشتند و طبقه دوم نیز حدود چهار ماه پیش توسط مستاجر تخلیه شده بود.دختر مقتول که در زمان مراجعه به منزل مادرش با جسد وی روبه‌رو شده بود، درباره نحوه کشف جسد به کارآگاهان گفت: «قرار بود امروز برای انجام خرید، همراه مادرم به بازار برویم. به همین دلیل به در منزل مادرم رفتم. هرچقدر رنگ را زدم، مادرم جواب نداد. او پاسخ‌گوی تلفن همراه و تلفن خانه نیز نبود این در حالی بود که ما ساعت ۱۰ روز برای رفتن به بازار با یکدیگر قرار گذاشته بودیم. به‌ناچار با کمک یکی از بچه‌های محل، در حیاط را باز کردم و خودم وارد خانه شدم. زمانی‌که وارد ساختمان شدم، دیدم در طبقه اول باز است. به‌سرعت خود را به داخل خانه رساندم که ناگهان با جسد مادرم در اتاق خواب روبه‌رو شدم. بلافاصله با پدر و برادرم تماس گرفتم و موضوع را به آنها اطلاع دادم».دختر مقتول در ادامه اظهارات خود در پاسخ به سؤال کارآگاهان درباره سرقت احتمالی از منزل مادرش، گفت: «مادرم تعداد زیادی دستبند و انگو داشت که هیچ‌کدام از آنها در دستانش نبود». همسر مقتول نیز در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: «طبق روال هر روز، ساعت پنج صبح برای رفتن به محل کار از خانه خارج شدم. در محل کار خود بودم که دخترم با من تماس گرفت و موضوع مرگ مادرش را اطلاع داد. زمانی‌که به خانه رسیدیم، مأموران کلانتری در محل حضور داشتند و اعلام کردند همسر من قتل رسیده است».

شوهر مقتول پس از اطلاع از موضوع سرقت طلا و جواهرات همسرش

کلاهبرداری ۲۰ میلیارد تومانی زن شید

شرق: زنی که با فریب طلافروشان از آنها ۲۰ میلیارد تومان کلاهبرداری کرده بود، بعد از دستگیری به جرم خود اعتراف کرد.چندی‌قبل مردی طلافروش به پلیس آگاهی استان اصفهان مراجعه و علیه زنی به نام شیدا شکایت کرد. او گفت: «آشنایی من و شیدا کاملاً اتفاقی بود. او زنی خوش‌تیپ و خوش‌صحت بود که به‌راحتی اعتماد هر فردی را جلب می‌کرد. شیدا در گفت‌وگو با من توضیح داد شرکتی را راه‌اندازی کرده که در زمینه تبلیغات شهری فعالیت دارد. او ادعا کرد آشنایان زیادی در ادارات دولتی دارد و می‌تواند از این راه سود کلانی به دست آورد. وقتی شیدا پیشنهاد داد در شرکتش سرمایه‌گذاری کنم، با امید رسیدن به پول هنگفت این پیشنهاد را قبول کردم اما بعد از گذشت مدتی از سود خبری نشد و بالاخره شیدا فرار کرد. آن زمان بود که فهمیدم این زن یک شیداست که به غیر از من چند نفر دیگر از همکارانم را نیز با همین وعده‌ها فریب داده و از آنها کلاهبرداری کرده است».کارآگاهان بعد از اینکه مشخصات زن کلاهبردار را گرفتند، برای دستگیری او به تکاپو افتادند. آنها بعد از تحقیقات گسترده محل اختفای این زن ۳۶ ساله را که متاهل است پیدا و وی را دستگیر کردند. در بررسی‌های مقدماتی معلوم شد این زن هیچ سابقه جیفری ندارد و برای نخستین‌بار دست

پنج قاره

قتل ۵ زن هندی به اتهام جادوگری

● اهالی روستایی در شرق هند، پنج زن را به اتهام جادوگری به قتل رساندند. پلیس محلی هند می‌گوید: مهاجمان، این زنان را برای مجازات با خود بردند و خواستند با التماس بسببشان این پنج زن نیز برای جلب رحم روستائیان هیچ نتیجه‌ای نداشت. سن بیشتر زنان قربانی بین ۴۵ تا ۵۰ سال بود. پلیس اعلام کرده تاکنون ده‌ها نفر را در ارتباط با این حادثه دستگیر کرده است. چند ایالت هند از جمله «جارکند» قوانینی را برای کاهش این‌گونه جرایم وضع کرده‌اند اما این حملات همچنان ادامه دارند. بنا بر آمار رسمی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ میلادی، بیش از دو هزار زن به اتهام جادوگری در هند کشته شده‌اند. بعضی از این قتل‌ها برای تسویه‌حساب‌های شخصی به‌ویژه بر سر اختلافات ارضی صورت می‌گیرند.

نجات کودک از بین دندان‌های کروکودیل

● رسانه‌های محلی در کاستاریکا اعلام کردند: مادری فرزند پنج‌ساله خود را از بین دندان‌های یک کروکودیل نجات داد. این پسر بچه بیرون از محل سکونتشان که در نزدیکی پارک ملی «تورتوکوئرو» قرار دارد، مورد حمله این کروکودیل قرار گرفت.

حوادث

اعدام متجاوزان به عنف در ملاَعم

خیابان رها کردند. به حدی وحشت‌زده و پریشان بودم که چهره متجاوزان یادم نمانده و شماره پلاک خودرو آنها را نیز یادداشت نکرده‌ام.»این دختر فقط می‌دانست متهمان از پژو ۴۰۵ که تاکسی زردرنگ بود استفاده کرده‌اند. تلاش‌ها برای دستگیری متهمان خیلی زود آغاز شد اما پیش از آنکه سرخی از این افراد به دست بیاید، دومین نفر نیز شکایت مشابهی را مطرح کرد. به این ترتیب معلوم شد مجرمان ناشناس قصد دارند به جرائم‌شان ادامه دهند. به این ترتیب دامنه تحقیقات گسترده‌تر شد اما باز هم ردی از متهمان کشف نشد تا اینکه سومین دختر به پلیس آگاهی رفت و از دو جوان

سرقَت جواهرات پیرزن؛ انگیزه جنایت



به ارزش بیش از ۱۵ میلیون تومان، به کارآگاهان گفت: «تا حدود چهار ماه پیش، مردی ۳۷ساله به نام محمد به عنوان مستاجر در طبقه دوم محل سکونت ما زندگی می‌کرد تا اینکه از طریق تعدادی از همسایگان و اهالی محل به ما اطلاع داده شد این شخص دارای سابقه در زمینه سرقت است به همین علت بلافاصله با او تسویه‌حساب کردم و بعد از آن دیگر از وی خبری ندارم.»دستگیری «محمد» با توجه به اظهارات همسر مقتول، در

همدست خود را نیز معرفی کرد که او هم به دام افتاد. متهمان در بازجویی‌های تخصصی به تعرض به سه دختر جوان اعتراف کردند. سپس پرونده آنها به صورت فوق‌العاده به جریان افتاد و متهمان بعد از محاکمه در دادگاه کیفری استان خراسان رضوی به اعدام محکوم شدند. پرونده سپس با اعتراض متهمان به دیوان‌عالی کشور ارجاع شد اما قضات دیوان‌عالی نیز رای صادره را مطابق با قانون تشخیص دادند. بعد از آن مقدمات اجرای حکم فراهم شد و دو جوان متجاوز که ۲۴ و ۲۵ ساله بودند، صبح دیروز در میدان حافظ مشهد در حضور مردم به دار آویخته شدند.

دستور کار کارآگاهان قرار گرفت و با انجام اقدامات پلیسی مشخص شد محل سکونت جدید وی در شهرستان کرج است. مأموران با مراجعه به این محل، اطلاع پیدا کردند محمد هم‌زمان با وقوع جنایت، آن خانه را تخلیه و به محل دیگری نقل مکان کرده است.در ادامه اقدامات پلیسی، سرانجام آخرین مخفیگاه محمد در کرج شناسایی شد و کارآگاهان وی را دستگیر کردند. در شرایطی که محمد در اظهارات اولیه منکر هرگونه ارتکاب یا اطلاع از جنایت شده بود، در نهایت ۱۰ روز بعد از دستگیری، لب به بیان حقیقت گشود و به ارتکاب جنایت با انگیزه سرقت اعتراف کرد.محمد در اعترافات خود به کارآگاهان گفت: «مدتی بود بدهکار بودم. با اطلاع دقیق از چگونگی حضور مقتول و همسرش در خانه، زمان خروج همسر مقتول و اطلاع دقیق از وضعیت مالی و نحوه بازکردن در ورودی ساختمان بدون داشتن حتی کلید در ورودی، تصمیم به سرقت گرفتم. روز حادثه پس از خروج همسر مقتول از خانه، به همان شیوه‌ای که چند بار در زمان سکونت در آن خانه به عنوان مستاجر در باز کرده بودم، به‌آرامی وارد طبقه اول شدم. مقتول در اتاق خواب در حال استراحت بود که ناگهان متوجه طلا و جواهرات در دستانش شدم».محمد در ادامه گفت: «به قصد سرقت، خود را به بالای سر مقتول رساندم و پتوی روی تخت را روی صورت او انداختم تا مرا شناسایی نکند اما با وجود این مقتول پتو را از روی صورتش کنار کشید و مرا شناسایی کرد. پس از آن تصمیم به قتل گرفتم. برای همین تکه پارچه‌ای را دور گردن این زن انداختم و او را به قتل رساندم. پس از ارتکاب جنایت تمامی طلا و جواهرات مقتول را سرقت کردم و با مراجعه به یکی از طلافروشی‌های منطقه شهرری، تمامی آنها را فروختم».سرهنگ کارآگاه آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با تأیید این خبر گفت: با توجه به اعتراف صریح متهم، محل فروش طلاها شناسایی و تمامی طلا و جواهرات مسروقه کشف شد.حاجی‌زاده افزود: با توجه به اعتراف صریح متهم به ارتکاب جنایت، قرار بازداشت موقت توسط مقام محترم قضائی صادر شده و متهم برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.

فرم درخواست اشتراک ^{شرق} در تهران

کلیه متقاضیان محترم می‌توانند هزینه اشتراک خود را براساس مبالغ مندرج در جدول ذیل به شماره حساب ۶۸۶۸۹۵ نزد بانک سپه شعبه میرزا کوچک‌خان (قابل پرداخت در کلیه شعب) به نام محمدامیر مظاهری واریز و اصل سند بانکی مربوطه را به همراه فرم تکمیل شده ذیل به یکی از سه طریق زیر به دفتر امور مشترکین تحویل فرمایند.

۱- تماس با شماره تلفن‌های ۸۸۲۰۹۵۹۳- ۸۸۱۹۸۹۶۶ جهت اعزام مأمور برای دریافت مدارک.

۲- مراجعه به آدرس دفتر واقع در میدان آرژانتین - خیابان الوند - کوچه آرشیا - پلاک ۶

۳- ارسال از طریق دورنگار به شماره ۸۸۱۹۸۹۵۸

شرایط اشتراک

۱- ساعت تحویل روزنامه ۵ صبح الی ۱۰ صبح می‌باشد.

۲- شروع ارسال روزنامه برای متقاضیان که درخواست خود را به صورت کامل تحویل داده‌اند، حداکثر ۱۵ روز بعد از تحویل مدارک خواهد بود.

۳- مبالغ مندرج در جدول بابت یک نسخه اشتراک می‌باشد.

۴- نوشتن کد پستی و شماره تلفن در فرم ضروری می‌باشد.

۵- در صورت عدم دریافت روزنامه مراتب را به امور مشترکین اطلاع دهید، در صورت عدم اطلاع به منزله دریافت تلقی می‌شود.

توجه: لطفاً کیپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک نزد خود نگه دارید.

مدت	۳ ماهه	۶ ماهه	۹ ماهه	۱۲ ماهه
قیمت (ریال)	۷۵۰/۰۰۰	۱/۴۵۰/۰۰۰	۲/۱۵۰/۰۰۰	۲/۸۵۰/۰۰۰

رسید دریافت فیش یا وجه نقد

بدین‌وسیله ریال وجه نقد ☐ فیش ☐ چک ☐ بشرح زیر جهت اشتراک نسخه روزنامه شرق به مدت ماه از مشترک شماره به نام دریافت نمودم.

نحوه پرداخت	شماره فیش/چک	تاریخ	نام بانک	نام شعبه	کد شعبه	مبلغ
نام و نام خانوادگی دریافت کننده: امضاء دریافت کننده:						

✂

توجه: لطفا نحوه مطلوب دریافت روزنامه را اعلام دارید:		
مدت اشتراک: ۳ماهه ☐ ۶ماهه ☐ ۹ماهه ☐ ۱۲ماهه ☐		کد اشتراک تعداد نسخ اشتراک
مشخصات متقاضی	نام: نام خانوادگی: نام موسسه:	امضای متقاضی:
	آدرس دقیق:	
	کدپستی: تلفن: نامبر:	

رخداد

تصادف مرگبار پورشه و وانت پیکان

● تصادف پورشه و وانت پیکان در جاده قوچک، شبی خونین را در این محور رقم زد که درنهایت با تلاش امدادگران با وجود هشت کشته و مجروح،مادر بارداری که مصدوم شده بود، نجات یافت. به گزارش تسنیم در ساعت ۲:۱۵ بامداد دیروز طی اعلام گزارش مردمی مبنی بر تصادف پورشه و وانت پیکان در محور قوچک بلافاصله نجاتگران پایگاه امداد و نجات قوچک به محل حادثه اعزام شدند. نجاتگران حین کمک‌رسانی به زخمیان با زنی باردار مواجه شدند که حال وی مساعد نبود و شکستگی‌های متعدد از ناحیه سر، دست و پاها داشت و احتمال آسیب به جنین وجود داشت. نجاتگران به‌موقع، وی را به بیمارستان امام حسین(ع) اعزام کردند که پس از معاینات تخصصی، پزشکان از سلامت مادر و جنین خبر دادند.

کارگاه بزرگ مبل‌سازی در آتش

● آتش‌سوزی کارگاه مبل‌سازی در جاده خاوران خسارات مالی زیادی را به بار آورد. در پی تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵ و اطلاع‌رسانی آتش‌سوزی کارگاه مبل‌سازی، آتش‌نشنان ساعت ۵:۱۷ صبح دیروز، به محل حادثه در جاده خاوران اعزام شدند. عزیز غلامی‌نسب، معاون منطقه هشت عملیات آتش‌نشانی تهران گفت: در یک سوله مسقف به مساحت حدود دوهزار مترمربع که به‌عنوان کارگاه مبل‌سازی از آن استفاده می‌شد مقدار زیادی چوب، تخته، اسکلت‌های مبلمان، تعداد زیادی مبلمان آماده و چندین بشکه چسب و تینر نگهداری می‌شد که به علت نامعلومی دچار آتش‌سوزی شد. وی به محبوس‌شدن چهار کارگر که در اتاق کارگران استراحت می‌کردند، اشاره کرد و ادامه داد: آتش‌نشنان در همان لحظات اولیه این کارگران را به سلامت از داخل سوله و از میان دود و آتش به سلامت خارج کردند و همزمان به‌مقابله با شعله‌های آتش پرداختند. غلامی‌نسب با بیان اینکه هنگام حضور آتش‌نشنان در محل حادثه، سوله مبل‌سازی غرق در شعله‌های آتش بود، تصریح کرد: نیروهای عملیات پس از محاصره آتش از چند جهت، سرانجام این آتش‌سوزی را که بیش از نیمی از این مکان را در بر گرفته بود، مهار و خاموش کردند. معاون منطقه هشت عملیات خاطرنشان کرد: در این حادثه به هیچ‌کس صدمه‌ای نرسید و کارشناسان آتش‌نشانی در حال بررسی علت وقوع آتش‌سوزی و نیز برآورد میزان خسارات وارده هستند.